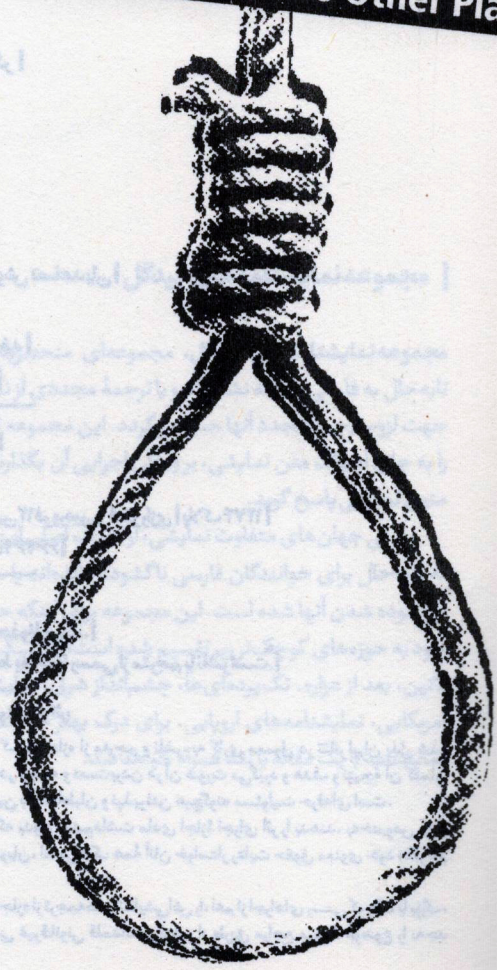


تار عنكبوت - طناب - فیلم بردار
ایوجین اونیل | ایدالله آقا عباسی | انتخابنامه های بیدگل : اونیل (۴)

Eugene O'Neill
The Web and Two Other Plays



فصل اول
فصل دوم
فصل سوم
فصل چهارم
فصل پنجم
فصل ششم
فصل هفتم
فصل هشتم
فصل نهم
فصل دهم
فصل یازدهم
فصل بیستم
فصل بیست و یکم
فصل بیست و دوم
فصل بیست و سوم
فصل بیست و چهارم
فصل بیست و پنجم
فصل بیست و ششم
فصل بیست و هفتم
فصل بیست و هشتم
فصل بیست و نهم
فصل بیست و دهم
فصل بیست و یازدهم
فصل بیست و دهم
فصل بیست و نهم
فصل بیست و هشتم
فصل بیست و هفتم
فصل بیست و ششم
فصل بیست و پنجم
فصل بیست و چهارم
فصل بیست و سوم
فصل بیست و دوم
فصل بیست و یکم
فصل بیستم
فصل نهم
فصل هشتم
فصل هفتم
فصل ششم
فصل پنجم
فصل چهارم
فصل سوم
فصل دوم
فصل اول

| تار عنكبوت |

| فهرست |

۹

۳۵

۷۷

تار عنكبوت

طناب

فیلم بردار

کاغذ دیواری اتاق کثیف است و از پارگی های آن رنگ روغن زیر آن پیدا است. در عقب اتاق پنجره بازی است که از آن پلکان اضطراری دیده می شود. روی پلکان شیشه شیری به چشم می خورد. طرف راست دری است که به راهرو باز می شود. طرف چپ کمد دست شویی با پارچ و قدح و خرده ریز اسباب آرایش زنانه است که روی آن پخش ویلا شده است. بالای آن آینه ترک خورده ای روی دیوار آویخته است. میز و صندلی فکسنی ای وسط اتاق گذاشته اند. در گوشه سمت چپ، نزدیک پنجره تخته ای است که کودکی روی آن خوابیده است. اتاق را فقط چراغ گازی که نزدیک آینه است روشن می کند. رز توماس، زن جوان سیاه گیسویی که به نظرسی ساله می رسد، اما در واقع بیست و دو سال دارد، روی صندلی نشسته و سیگار ارزان قیمت ویرجینیا می کشد. شیشه آبجوی خالی و لیوان کثیفی روی میز کنار او است. کلاه ارزان قیمت اجق و جق او که پر مصنوعی دارد، نیز روی میز است. رز لباس پُر زلم زیمبوی

مُد روزی برتن دارد. گوشواره، دستبند و چند الگو پوشیده که همگی بدلی هستند. چهره رنگ باخته اش، چهره آدمی در حال زوال است؛ و چشمان تب آلود و آشفته اش گود رفته اند. کاملاً افسرده به نظر می رسد. گرچه وقتی به تخت نگاه می اندازد، حالت اشتیاق مادرانه ای به خود می گیرد. گاه گاهی سرفه شدید و خشکی می کند که تمام تنش را تکان می دهد. پس از هربار سرفه کردن، دستمالش را به لب می برد و سپس وحشت زده آن را نگاه می کند.

زمان نمایش، نخستین ساعت های یک شب بارانی تابستانی است. صدای یکنواخت بارش باران بر کف حیاط پایین به گوش می رسد.

رز: (به صدای باران گوش می دهد و سیگارش را با خستگی روی میز می اندازد.) خدایا! چه شبیه! (به تلخی می خندد.) چه شانسی دارم! (ناگهان سرفه اش می گیرد؛ بعد برمی خیزد و به طرف تخت می رود، خم می شود و به ملایمت پیشانی کودک خفته را می بوسد. آنگاه برمی گردد و با بغضی در گلو) چه زندگی ای! طفلک بیچاره!

به طرف آینه می رود و چشم ها و گونه هایش را بزرگ می کند. آرایش به چهره اش حالتی مُرده می دهد. چشم های سرمه کشیده اش را سیاه تر می کند. به محض آنکه آرایش خود را تمام کرده و کلاهش را جلوی آینه بر سر می گذارد، در باز می شود و استیو شتابان وارد شده، در را پشت سر می بندد. کاملاً مشخص است که مست است. ظاهرش مثل پاندازان تازه کار است، لباس پُرزرق و برقی پوشیده، ریز چشم، لب قیطانی و کوتاه قد است و تأثیر مواد مخدر و الکل در چهره اش هویدا است.

(شتابان کلاهش را پایین روی کمد می گذارد و تا حدی ترسیده) سلام، استیو.

استیو: (با تمسخر او را ورنه انداز می کند.) عجب آشغال خوشگلی شدی! (می رود و روی صندلی می نشیند.) عین مُرده ها شده ی. یه کم رنگ بزن به صورتت و خوشحال باش! این جورری مَث روح اونجا وایستادی، وحشت می کنم.

رز: (به طرف آینه می شتابد و بیشتر رُز می زند، سپس رویش را برمی گرداند.) نگا، استیو! بهتر نشد؟

استیو: بهتر؟ نع، اما می شه. (شیشه آبجوی خالی را می بیند.) یه نوشیدنی بهم بده!

رز: می دونی که دیگه نیس. این همونیه که دیشب تهشو آوردی بالا.

استیو: (عصبانی و بدعنعق) دروغ می گی! شرط می بندم بازم داری و همین دوروبرا قایم کرده ی. همیشه یه چیز یواز من قایم می کنی، باس دست از این کارت برداری، می فهمی؟

رز: من هیچ وقت چیز یواز تو دریغ نکردم، خودتم اینو می دونی. (با عصبانیت) اگه منم مَث پسی بودم که اون جورری با دوستت جک تا می کنه، چی کار می کردی؟ اون وقت شاید می تونستی اعتراض کنی. اون می تونه هر وقت بخواد جک وول کنه، اونم اینو می دونه و مَث چسب بهش چسبیده. توجه نمی کنی که چه جورری مَث بعضیا که من می شناسم، دنبال هرکی که می بینه می افته. به خاطر اینکه می ترسه پسی رواز دست بده، اون وقت تو اصلاً انگار نه انگار.